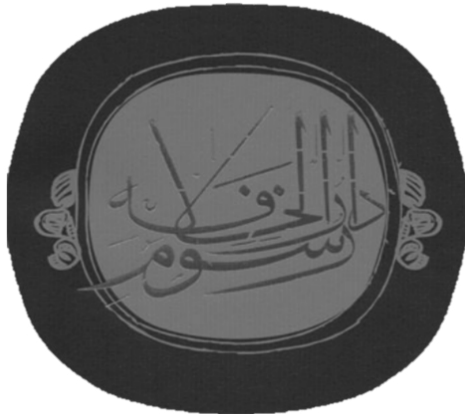


گذاری بر رسوم دارالخلافة

صفا محمودیان • کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی
دکتر در تاریخ هنر، دانشگاه وین

متونی که در روزگار عباسیان نوشته شده، عموماً شامل شواهد و سرنخ‌های بسیاری است که نشان‌دهندهٔ تداوم سنت‌های ایرانی در دربار عباسی است. بخش مهمی از این سنت‌ها را دانشمندان، دبیران و صاحب‌منصبان ایرانی که به مراکز خلافت عباسی مهاجرت کرده بودند به دربار عباسی منتقل کرده و بخشی دیگر را کتاب‌های فارسی که در این دوره به عربی ترجمه شده بود. به عنوان نمونه، روایت مشهور طبری از محاکمهٔ افشین مقابل خلیفه معتمد (حک. ۲۱۸ - ۲۲۷) نشان می‌دهد که خلیفه در منزلش

کتاب کليلة و دمنه و کتاب مَزْدَك را نگه می‌داشته است.^۱ برخی سنت‌های کهن ایرانی تا امروز تداوم پیدا کرده و به همین دلیل برای ما شناخته‌شده‌تر و در نتیجه پیدا کردن نشانه‌های آن در متون دورهٔ عباسی آسان‌تر است. از این جمله، نوروز است که توصیف‌های بسیاری از به رسمیت شناختن آن در دربار عباسی وجود دارد. اما گاه این سنت‌ها برای ما کمتر شناخته‌شده است و برای دنبال‌کردنش هم باید آداب دربار عباسی را مطالعه کنیم و هم آداب دربار ساسانی را. از جمله کتاب‌های مهم برای مطالعهٔ آداب گوناگون در دربار خلافت عباسی رسوم دارالخلافة نوشتهٔ ابوالحسین هلال بن المُحَسِّن الصَّابِي (۳۵۹-۴۴۸ق)^۲ است. اهمیت این کتاب برای نشان دادن تداوم آیین‌های ایرانی در دربار عباسی چنان است که استاد شفیعی کدکنی عنوان فرعی نقش آیین‌های ایرانی در



تصویر روی جلد کتاب. مأخذ:

صابی، هلال بن محسن. **رسوم دارالخلافة: نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت عباسی**. ترجمهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: کارنامه، ۱۳۹۶.

نظام خلافت اسلامی را برای ترجمه فارسی آن برگزیده. ایشان در مقدمه کتاب در این باره می‌نویسد:

این کتاب — که به ظاهر پیوندی با تاریخ ایران ندارد و چنان می‌نماید که گزارشی است از چگونگی دستگاه خلافت عباسی در بغداد — اگر به دقت بررسی شود سرشار از نکاتی است که برای شناخت اوضاع اجتماعی و تاریخی ملت ما در گذشته آگاهی از آن لازم است [...]. گذشته از نکات تاریخی و اجتماعی، گزارش بسیاری از رسم‌ها و آیین‌های ایرانی در این کتاب به عنوان رسوم دستگاه خلافت عباسی در بغداد آمده است که شواهد تاریخی نشان می‌دهد این رسم‌ها در ایران قدیم رواج داشته و در دوره اسلامی به مرکز خلافت بغداد راه یافته و خود را به گونه‌ای اسلامی محفوظ نگاه داشته است. نکته دیگری که اهمیت این کتاب را در مسائل ایران‌شناسی مسلم می‌دارد واژه‌های پارسی نغزی است که مؤلف در متن عربی کتاب به کار برده و نفوذ روشن و صریح زبان فارسی را در زبان عربی نشان می‌دهد. [...]^۳

هلال بن صابی، که خانواده‌اش اصالتاً متعلق به حران بودند، در بغداد متولد شد و در همان شهر نیز درگذشت. او هم‌دوره با به تخت نشستن خلفای متعدد و حکومت آل بویه (حک. ۳۳۴ – ۴۴۷ق) در بغداد بود. هلال مدتی در دارالخلافه بغداد متصدی دیوان انشاء بود و به همین دلیل «توانست از تمام شئون و رسوم آنجا آگاهی حاصل کند و از رازهایی که در نهفت دیوارها و نهانگاه‌های آنجا بود آگاه شود و از ساختمان‌ها و مجالس و خانه‌ها و راه‌ها و صحن‌ها و خزاین و اندرون آن اطلاع حاصل کند». ^۴ او کتاب‌های بسیاری نوشت که تنها معدودی از آنها، از جمله رسوم دارالخلافه به جای مانده است. رسوم دارالخلافه در بیست و یک فصل تنظیم شده که با توصیف دارالخلافه بغداد آغاز می‌شود و سپس در هر فصل جنبه‌ای گوناگون از آداب درون دربار عباسی را شرح می‌دهد؛ مثلاً می‌توان به آیین نگارش نامه‌هایی که خلفا می‌نوشتند یا خطاب به آنها نوشته می‌شد، آیین لباس پوشیدن خلفا و کسانی که به حضور آنها

می‌رسیدند، آیین خدمت، آیین آرایش نزدیکان خلیفه در «روز موکب»، القاب، خطبه‌های ازدواج و منابر اشاره کرد. هلال بن صابی برای توضیح هر یک از این آیین‌ها غالباً مثال‌هایی آورده است که گذشته از ارزش اطلاعات تاریخی‌شان، عموماً شامل توصیف فضاهایی است که این وقایع در آنها اتفاق افتاده و در نتیجه منبعی مهم برای شناخت معماری بغداد آن دوره محسوب می‌شود. مثلاً به توصیفش از بار عام خلیفه نگاه کنید:

هر روز که روز موکب باشد حاجب حاجبان با کامل‌ترین جامه‌ای، از قبای سیاه مولد و عمامه سیاه و شمشیر و کمر بند، حاضر می‌شود و در پس پشت او حاجبان و خلفای ایشان. و او در دهلیز در پشت او می‌نشیند. اگر خلیفه قصد بار همگانی داشته باشد خادم خرمی نامه‌بر بیرون می‌آید و حاجب حاجبان را می‌طلبد. او به تنهایی داخل صحن می‌شود و زمین را بوسه می‌دهد و ولیعهد را — اگر ولیعهدی باشد — و با اولاد خلیفه را — اگر اولادی باشد — فرا می‌خواند، سپس وزیر داخل می‌شود و پرده‌داران در برابر او راه می‌روند تا به تخت نزدیک می‌شود. وقتی نزدیک شد، آنها از وی دور می‌شوند و وزیر پس از بوسیدن زمین پیش می‌رود تا به خلیفه نزدیک شود و اگر او را افتخار بوسیدن دست حاصل شد، آن را می‌بوسد و برمی‌گردد تا به پنج ذراعی سمت راست تخت برسد. [...] و آنگاه بار عام داده می‌شود و لشکر داخل می‌شوند و در دو صف میان دو ریسمان که در «صحن سلام» کشیده شده است می‌ایستند. مقصود از دو ریسمان این است که از ازدحام [...] جلوگیری شود و نیز برای این است که خلیفه کسانی را که در بین این دو ریسمان از دور می‌آیند ببیند و بداند کیستند و این کار شکوه و جلوه بیشتری دارد.^۵

این توصیف به چندین جهت اهمیت دارد: اولاً نشان دادن آداب بار عام در دارالخلافه عباسی؛ دوماً نشان می‌دهد که خلیفه برای بار عام در فضایی نیمه‌باز می‌نشست که رو به صحنی باز می‌شد؛ سوماً نشان از صحنی خاص در دارالخلافه بغداد به نام «صحن سلام» می‌دهد که حداقل گاهی بار عام در آن برگزار می‌شد. چهارماً، بنا بر این توصیف، برای ایجاد نظم در هنگام

در مجموع رسوم دارالخلافه هرچند کتاب نسبتاً کوچکی است، به دلیل اطلاعات فراوان و دقیقی که دربارهٔ آداب دربار عباسی و معماری بغداد آن دوره، به خصوص دارالخلافه و دارالمملکه، به دست می‌دهد بسیار پرارزش است. چه در توصیف‌های این کتاب از آداب دربار و چه از معماری کاخ‌ها، رد پای سنت‌های دورهٔ ساسانی را می‌توان دنبال کرد که هر کدام خود به تحقیقی مستقل و بحثی مفصل نیاز دارد.

۱. محمد بن جریر الطبری، *تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۹، ص ۱۰۸.
۲. ابوالحسنین هلال بن المحسن الصابی. *رسوم دارالخلافه*. به تحقیق میخائیل عواد. بیروت: دارالرائد العربی، ۱۴۰۷ ق
۳. هلال بن محسن صابی، *رسوم دارالخلافه: نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت عباسی*، ص ۱۷.
۴. همان، ص ۲۳
۵. همان، ص ۸۳-۸۴
۶. همان، ص ۸۶
۷. همان، ص ۲۸-۲۷
۸. به عنوان نمونه در توصیفش از تزیین دارالخلافهٔ بغداد به مناسبت ورود «پیغام‌گزار و نمایندهٔ پادشاه روم». همان، ص ۳۶
۹. همان، ص ۳۹
۱۰. همان، ص ۲۳
۱۱. همان، ص ۱۰۱

فهرست منابع

- صابی، هلال بن محسن. *رسوم دارالخلافه: نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت عباسی*. ترجمهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: کارنامه، ۱۳۹۶.
- طبری، محمد بن جریر. *تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوک*. ج ۹. بیروت: بی‌نا.

بار عام، دو ریسمان در صحن سلام بسته می‌شد. هلال در توصیفش از خلعت دادن عضدالدوله در دوران خلیفه الطائع‌الله در جای دیگر کتاب می‌نویسد: «و در صحن السلام ریسمان‌ها بر ستون‌ها کشیده شد [...]»^۶ که نشان می‌دهد صحن سلام ستون‌دار بوده است.

هلال بن صابی در بسیاری موارد خود شاهد عینی روایت‌هایش بوده است که بر ارزش آنها به‌منزلهٔ سند تاریخی می‌افزاید. به عنوان نمونه در توصیف تزیینات دارالخلافه و دارالمملکهٔ بغداد، هنگام به حضور پذیرفتن بزرگان و نمایندگان ممالک دیگر می‌نویسد: «[...] و من خود در روزگار صمصام‌الدوله، و به سال ۳۷۶، شاهد آمدن {وَرْد} بزرگ رومیان بودم که به دارالمملکه وارد شد [...]» او سپس توصیف قابل توجهی از چگونگی تزیین دارالمملکه با «فرش‌های عضدی» و «پرده‌های پرنیانی»، تختگاه صمصام‌الدوله، و چگونگی به حضور پذیرفتن ورد می‌دهد.^۷

هلال برخی روایت‌هایش را نیز از قول دیگران آورده است. هرچند در این موارد گاه منبع خود را ذکر نکرده،^۸ در بسیاری موارد در ذکر منابعش دقیق بوده است؛ مثلاً در شرح بغداد در روزگار آبادی‌اش می‌نویسد: «کتابی به دست من افتاد که عنوانش این است: {کتاب فضایل بغداد عراق} و تألیف یزدجرد بن مه‌بندار فارسی است و برای امیرالمؤمنین المتعضد بالله — که درود خداوند بر او باد! — تألیف شده است. [...]»^۹ هلال گاه نیز از منابع شفاهی، به خصوص جدش ابواسحاق ابراهیم صابی نقل کرده که او نیز متصدی دیوان انشاء در دارالخلافهٔ بغداد بود.^{۱۰} هلال گاه نیز به‌صراحت به عدم آگاهی خود در مواردی خاص اذعان کرده است؛ مثلاً ذیل «توصیف پیشکش‌هایی که برای خلفا فرستاده می‌شد» می‌نویسد: «در مورد امیران پیشین آل بویه — رضی الله عنهم — من اطلاعی ندارم و تفصیل آنچه را که فرستاده‌اند نمی‌دانم، [...]»^{۱۱}.